

روز پزشک

امروز پزشکی برای اغلب پزشکان منزلت اجتماعی و پول ندارد، بلکه سراسر مشکل است ...



امروز پزشکی برای اغلب پزشکان منزلت اجتماعی و پول ندارد، بلکه سراسر مشکل است
اندر مصائب حرفه طبابت

جام جم آنلاین: ابن سینا در سال 370 هجری در بخارا به دنیا آمد و سال 428 هجری در همدان رخ در نقاب خاک کشید. این بزرگمرد تاریخ ایران و اسلام میراثی از خود بجا گذاشت که امروز نه تنها ایرانیان و مسلمانان، بلکه همه ملت‌های فرهیخته جهان به آن مباحثات می‌کنند، در روزگار ما که اخلاق به دست فراموشی سپرده شده است نگاه به زندگی سراسر علم و اخلاق شخصیت‌هایی همچون ابن سینا ضرورتی انکارناپذیر و چراغ راه پزشکان امروز است.

در طول تاریخ، پزشکی شغلی مقدس بوده و بسیاری از طبیبان روزگاران کهن، از عالمان دینی و اولیای الهی بوده‌اند و با همگامی پزشکی و اخلاق، با شفادهی بیماری جسمی بیماران، آن را وسیله جذب و هدایت مردم به سوی ارزش‌های معنوی قرار داده‌اند. در واقع پزشکی و اخلاق، پیوندی مقدس و ناگسستنی دارد. پزشکی به سلامت انسان می‌انديشد و اخلاق، سعادت انسان را هدف خویش می‌داند. پزشکی پاسدار جسم است و اخلاق، نگهبان روح. یکی فضای زندگی فیزیکی را تلطیف می‌کند و دیگری فضای روابط اجتماعی و زندگی فرهنگی را یاری می‌رساند.

نگاه تک‌بعدی به زندگی انسان، گاه تن را به فراموشی سپرده و نعمت بزرگ سلامت را از بشر گرفته و گاه انسانیت انسان را دستخوش نسیان کرده و روح ملکوتی وی را نادیده انگاشته است. چه نیکوست که پزشک، افزون بر سلاح مادی و دارو، مسیحا دم و عیسی نفس باشد و با کلام و خلق نیک، تا عمق جان بیمار نفوذ کند و بیماری را شفا بخش باشد.

امروزه نیز در تمام کشورهای جهان پزشکان زندگی حرفه‌ای خود را با سوگند آغاز می‌کنند. در ایران نیز با این جملات زندگی حرفه‌ای یک پزشک در ایران آغاز می‌شود: اکنون که با عنایات و الطاف بیکران الهی در شرف پذیرفتن مسوولیت خطیر پزشکی قرار گرفته‌ام... من در برابر قرآن کریم به خداوند قادر متعال، خدایی که بر همه امور آگاه است و تمامی موجودات در قبضه قدرت اوست سوگند یاد می‌کنم که به احکام مقدس اسلام و حدود الهی با دیده احترام بنگرم، از خیانت و تضییع حقوق بیماران به طور جدی پرهیز کنم. نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ایجاب ضرورت شرعی پایبندی کامل داشته باشم و خدا را در همه حال حاضر و ناظر شوون خود بدانم.

مشکلات بی‌پاسخ

امروز پزشکی برای اغلب پزشکان منزلت اجتماعی و پول ندارد، بلکه سراسر مشکل است. طولانی‌ترین دوران آموزش، انبوه مطالب آموزشی، مشکل‌ترین شرایط کاری در طول شبانه روز، فقدان امنیت شغلی، بیکاری، عدم توجه اقتصادی در امر سرمایه‌گذاری در زمینه پزشکی، توزیع نامناسب، تصدیگری بیش از حد دولت، قوانین دست و پاگیر، تعرفه‌های پایین پزشکان عمومی و... گوشه‌هایی از مشکلات پزشکان است که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد و باید حل آنها را پیگیرانه دنبال کرد. پزشکان امروز چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی و حتی اعضای هیات علمی جوان دانشگاه‌ها با این مشکلات در حالی دست و پنجه نرم می‌کنند که کمتر کسی در فکر کمک و یاری آنان و تلاش برای حل معضلات آنان است. امیدست جهت‌گیری و جریان امور به نحوی پیش رود که حل مشکلات و معضلات این گروه فرهیخته در دستور کار مسوولان و متولیان قرار گیرد.

روزی برای پزشکان

سال 1377 شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرو پیشنهاد سازمان نظام پزشکی یکم شهریور ماه - مقارن با سالروز ولادت پزشک عالیقدر و فیلسوف بنام ابوعلی سینا - را به عنوان روز پزشک انتخاب کرد و این تاریخ در مناسبت‌های رسمی کشور درج شد.

نامگذاری سالروز تولد فخر جهان طبابت و مباحثات عرصه علم و حکمت، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا به عنوان «#171;روز پزشک» انتخابی شایسته و الهام‌بخش است و هرساله یاد الگویی کم نظیر طبابت همراه حکمت را در ذهن و دل همه پزشکان زنده می‌کند.

از سویی این روز فرصت تجلیل از خدمات و فداکاری‌های پزشکانی است که در همه مقاطع حساس تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین

بویژه در ایام پرتنش پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های سخت و پرافتخار دفاع مقدس از بذل توان و جان خویش دریغ نکرده و نام ایران را به عنوان کشوری برخوردار و پیشگام در دانش و اخلاق پزشکی در صفحات تاریخ دنیا جاودانه کردند.

روز پزشک، فرصت خوبی است که وضعیت جایگاه، منزلت و اعتبار شغل پزشکی در کشورمان را دوباره مرور و بازنگری کنیم و سیاستگذاران و نخبگان عرصه سلامت کشور با همفکری و همدلی همه نیروها و مجامع دلسوز جامعه پزشکی سیاست‌ها و راهکارهای ترویج و اشاعه ارزش‌های معنوی و اخلاق پزشکی و ارتقای جایگاه و منزلت شاغلان حرف پزشکی بخصوص شاغلان جوان را مورد بازخوانی و توجه قرار داده و در جهت حل مشکلات و معضلات اساسی سلامت کشور قدم‌های بلندتر و ماندگاری بردارند.

به طور حتم در این راه، تغییر در خیلی از مسائل از جمله میزان جذب دانشجو، قوانین و مقررات حقوقی کار در حرفه پزشکی، شرایط مالی و رفاهی شاغلان حرفه پزشکی، تعرفه‌های درمانی و... اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

پزشکان همه جا

شغل‌های غیر پزشکی برای پزشکان اتفاقی است که در چند سال اخیر رخ داده است. اکنون می‌توانید پزشکان را در بسیاری از اصناف ببینید از شاعری و خوانندگی تا روزنامه‌نگاری و سیاست و تجارت و حتی بساز بفروشی. بسیاری از پزشکانی که متوجه شده‌اند جایی برای ارائه خدمات جهت حفظ سلامت جامعه برای آنان وجود ندارد به مشاغل کاذب روی آورده‌اند و هویت شغلی خود را از دست داده‌اند. البته این جدا از بحث شرکت برخی پزشکان در فعالیت‌های تجاری است. زیرا بسیاری از پزشکان قدیمی به کارهای جنبی زیادی نیز می‌پردازند. کارهایی که با رشته آنها همخوانی ندارد، اما برای کسی هم مشکلی ایجاد نمی‌کند.

پزشکی در ایران

قدمت پزشکی در ایران به قدمت تاریخ ایران است. در ایران باستان پزشکی در اختیار علمای دینی و موبدان بوده است. آنچه از تاریخ به جای مانده است نشان می‌دهد در ایران باستان روان درمانی، گیاه درمانی و جراحی از درمان‌های معمول پزشکان محسوب می‌شده است. طب در دوران ساسانیان درخشان‌تر از دوران‌های قبل شده بود.

نکته: شغل‌های غیر پزشکی برای پزشکان، اتفاقی است که در چند سال اخیر رخ داده است. اکنون می‌توانید پزشکان را در بسیاری از اصناف ببینید از شاعری و خوانندگی تا روزنامه‌نگاری و سیاست و تجارت و حتی بساز بفروشی در دوره ساسانیان تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز علمی نمود خاصی پیدا کرد. شاپور دوم دانشگاه جندی‌شاپور را در شمال غربی پایه‌گذاری کرد. در این دانشگاه دانشجویان برای تعلیم، بیماران را معاینه می‌کردند. در دانشگاه مذکور استادان یونانی، سریانی، هندی و ایرانی به تدریس اشتغال داشته، کتاب‌های گوناگون را به زبان پهلوی در می‌آوردند.

پس از اسلام علم و دانش ایرانیان با تعالیم دینی در هم آمیخت و دوران طلایی پزشکی ایران آغاز شد. دورانی که در زمان سامانیان یکی از بزرگ‌ترین نوابغ جهان یعنی ابن‌سینا را به خود دید، در زمان آل‌بویه بتدریج خدمات بیمارستانی متداول‌تر شد. در این دوره خدمات بیمارستانی نه تنها رایگان بوده است، بلکه به افراد بی بضاعت پس از بهبود پولی داده می‌شد تا بتوانند برای مدتی زندگی کرده و کاری پیدا کنند. پزشکان نیز در ازای کاری که انجام می‌دادند، حقوق دریافت می‌کردند.

در دوره صفویه، پزشکی و درمان نسبت به دوره‌های قبل پیشرفت کرد، ولی افتخارات کمتری به دست آورد. در دوران حکومت افشاریه و زندیه در پزشکی و درمان ایران پیشرفتی حاصل نشد، بلکه بیشتر به سوی انحطاط سوق داده شد. سال 1247 اولین بیمارستان مدرن تهران گشایش یافت. مسیونرهای مذهبی انگلیسی نیز سال 1258 بیمارستانی در اصفهان تأسیس کردند. سال 1269 یک هیأت آمریکایی در شهر ارومیه بیمارستان دیگری تأسیس نمود. با تأسیس دارالفنون اساس طب نوین در ایران پایه‌گذاری شد. سال 1290 طبق قانونی که به تصویب مجلس رسید دفتر مخصوصی برای ثبت نام پزشکان به وجود آمد و نام کسانی که از 10 سال قبل به حرفه پزشکی اشتغال داشتند، در آن ثبت شد و این پزشکان جواز طبابت دریافت می‌کردند. سال 1299 با تصویب قانون طبابت در مجلس شورای ملی، علاقه‌مندان به رشته پزشکی و داروسازی باید وارد مدرسه طب که رسمیت داشته باشد، شوند و بدون اجازه‌نامه وزارت معارف حق طبابت نداشتند.

سال 1300 وزارتخانه جدیدی به نام وزارت صحتیه و فواید عامل تأسیس شد ولی با عوض شدن کابینه، این وزارتخانه جدیدالتأسیس در حالی که 3 ماه از عمر آن می‌گذشت، منحل گردید. سال 1302 دوباره وزارت صحتیه و فواید عامه باز شد و مجلس حفظ‌الصحه به این وزارتخانه ملحق شد و نام آن به شورای عالی صحتیه تغییر یافت. سال 1313 شورای عالی صحتیه مملکتی به اداره کل بهداری تغییر نام داد. تا سال 1318 دانشکده‌ها که مدارس عالی نامیده می‌شدند، زیر نظر مستقیم وزارت معارف اداره می‌شد. سال 1318 با تصویب قانون استقلال دانشگاه، بیمارستان‌ها از اداره کل بهداری جدا و تحویل دانشگاه شد. پس از شهریور 1320 اداره کل بهداری از

وزارت کشور جدا و به صورت يك وزارتخانه مستقل درآمد. سال 1355 وزارت بهداري به وزارت بهداري و بهزيستي تغيير عنوان داد. سال 1359 وزارت مزبور دوباره به وزارت بهداري تبديل شد و سال 1363 بار ديگر به وزارت بهداري و بهزيستي و در نهايت در ماههاي پاياني سال 1364 بر اساس سياستهاي دولت مبني بر ضرورت توسعه آموزش پزشكي و تربيت نيروي انساني كافي در زمينه پزشكي و پيراپزشكي و استفاده بهتر از تمام ظرفيتهاي درماني کشور براي تربيت كادر مورد نياز و تعميم و توسعه بهداشت به عنوان يك اصل كه پيشگيري مقدم بر درمان است، آموزش پزشكي از وزارت علوم جدا و با انحلال وزارت بهداري و بهزيستي وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي تشكيل شد. وضعيتی كه تاكنون حفظ شده است.

اعتماد به پزشك

پزشكان هم مثل هر انسان ديگر مي توانند اشتباه كنند، ولي اشتباه يك پزشك چون با جان انسان سروكار دارد بسيار برجسته تر و بزرگ تر جلوه مي كند، اعتماد بيمار به پزشك شرط اساسي در موفقيت درمان است، اما متاسفانه امروز شاهد آن هستيم كه ديگر مردم اعتماد لازم را به پزشكان ندارند، بلكه عقیده دارند پزشكان فقط به فكر سرقيسه كردن آنها هستند! مقصر واقعي در اين بين كيست؟ پزشكان؟ مسوولان وزارت بهداشت؟ شرايط جامعه؟ يا...

شايد همه به نحوي در به وجود آمدن اين شرايط دخیل باشند. جامعه همواره پزشكان را قشري مرفه، آسوده طلب و بي دغدغه مي داند در حالي كه اين موضوع براي قسمت اعظمي از پزشكان صدق نمي كند.

فرايموش نكنيم گاهي مشكلات بيمار آنقدر وخيم و شديد است كه نمي توان كار خاصي براي او انجام داد. گاهي امكانات درماني كافي وجود ندارد، گاهي اصلا بيمار به حرف پزشك گوش نمي دهد و صد البته گاهي پزشك مرتكب سهل انگاري مي شود.

علي اخوان بهبهاني / جام جم